



توجه به فقرا به سبک دولت پزشک‌کیان

حضور عبدالکریم حسین‌زاده، معاون پزشک‌کیان، در برخی مناطق محروم کشور با خودروهای ۱۰۰ میلیارد تومانی، مورد انتقادات گسترده‌ای قرار گرفته است

تلاش اصلاح‌طلبان برای تخریب روابط ایران و چینحافظ منافع آمریکا در ایران

حسین مرعشی، دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی اخیراً در مصاحبه‌ای گفته است که چین سفرنماینده ویژه ایران را مشروط به چهار شرط کرده است که این ادعای مرعشی، به صورت رسمی توسط دفترنماینده ویژه جمهوری اسلامی ایران در امور چین تکذیب شد. در اطلاعیه این دفتر آمده است که انتساب چنین شروطی به طرف چینی و ادعای مشروط شدن سفر و توسعه روابط دو کشور به تحقق موارد مطرح شده را تکذیب کرد. دفترنماینده ویژه جمهوری اسلامی ایران در امور چین در پی انتشار برخی اظهارات و مطالب رسانه‌ای مبنی بر اینکه جمهوری خلق چین، سفرنماینده ویژه کشورمان در امور چین و گسترش روابط تهران و پکن را مشروط به تحقق مجموعه‌ای از شروط از سوی جمهوری اسلامی کرده است، اطلاعیه‌ای صادر کرد. در این اطلاعیه آمده است: انتساب چنین شروطی به طرف چینی و ادعای مشروط شدن سفر و توسعه روابط دو کشور به تحقق موارد مطرح شده، فاقد صحت است. مخالفت قاطع و صریح جمهوری خلق چین در برابر تحریم‌های یکجانبه آمریکا نشان‌دهنده رویکرد حمایتی چین در قبال جمهوری اسلامی ایران است. روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری خلق چین برپایه احترام متقابل، منافع مشترک و مشارکت جامع راهبردی دو کشور استوار بوده و همکاری‌ها و رایزنی‌های دو طرف در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، تجاری، سرمایه‌گذاری و سایر زمینه‌های مورد توافق، به‌طور مستمر در حال پیگیری و توسعه است. از رسانه‌ها، فعالان سیاسی و صاحب‌نظران انتظار می‌رود در انتشار مطالب مرتبط با روابط خارجی کشور، به‌ویژه مناسبات با شرکای مهم بین‌المللی، دقت لازم را به عمل آورده و از انتشار اخبار، برداشت‌ها و گمانه‌زنی‌های تأییدنشده که می‌تواند بر منافع ملی و روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران تأثیرگذار باشد، خودداری کنند. روابط خارجی کشور و منافع ملی، عرصه رقابت‌ها و منازعات جناحی و رسانه‌ای نیست و صیانت از آن، مسئولیتی مشترک است.

ای کاش به آمریکا هم بی اعتماد بودید

معاون پیگیری‌های ویژه دولت سیزدهم در واکنش به اظهارات حسین مرعشی درباره بی‌اعتمادی به چین و روسیه گفت: با وجود فشارهای اقتصادی جدید آمریکا علیه ایران، چین به‌صورت رسمی مخالف خود را با اقدامات واشنگتن علیه ایران

اعلام کرده است. روند مبادلات تجاری میان ایران و چین و همچنین فروش نفت ایران به این کشور در اوج جنگ رمضان نه تنها کاهش نیافت، بلکه افزایش یافت. مجاهد افزود: از منظر غرب‌گرایانی مانند مرعشی، اگر آمریکا صدها بار حتی مدارس ما را بمباران کند و مجالس عروسی ما را به عزاتبدیل کند، باز هم واجب‌التکریم است. اما اگر چین و روسیه در مقابل آمریکا و اروپا قطعنامه‌های شورای امنیت را به نفع ایران وتو کنند و در جنگ به ایران کمک کنند، همچنان غیرقابل اعتماد تلقی می‌شوند. ای کاش همان اندازه که به چین و روسیه بی‌اعتماد هستید، به آمریکا و اروپا نیز بی‌اعتماد بودید؛ سیاست خارجی نیازمند نگاه متوازن و مبتنی بر منافع ملی است.

علت تلاش اصلاح‌طلبان برای تخریب روابط ایران با چین چیست؟

پرسا نصرآبادی، کارشناس بین‌الملل، در این باره نوشته است: در روزهای اخیر و پس از اعلان جنگ اقتصادی وزارت خزانه‌داری ایالات متحده علیه ایران، چین صراحتاً اعلام کرده است که در برابر تحریم‌های یکجانبه و غیرقانونی آمریکا می‌ایستد و با پروژه «فشار حداکثری-۲» دولت ترامپ همراهی نمی‌کند. علاوه بر این، چین با ابراز مخالفت نسبت به درج مواردی در بیانیه پایانی مورد توافق آمریکا و دیگر کشورها، اجماع در نشست وزیران دارایی گروه ۲۰ (G۲۰) را برهم زده و از امضای بیانیه خودداری کرده است. از جمله این موارد، اعتراض چین به بخشی از بیانیه است که به بحث «تضمین ناوبری قابل پیش‌بینی از طریق تنگه هرمز» پرداخته است. بنابراین چین به ایران، نه فقط بر مبنای خرید نفت تضمین شده و با قیمت مناسب یا مزیت‌های ترانزیتی، بلکه به عنوان یک مؤلف راهبردی نگاه می‌کند که از توانمندی برقراری و حفظ موازنه قدرت در غرب آسیا برخوردار است و می‌تواند در نبرد هژمونیک چین و آمریکا نقش به‌سزایی ایفا کند. به موازات استنکاف چین از امضای بیانیه‌ای که بندی از آن ناظر بر اجبار ایران به بازگشایی تنگه هرمز است، بریده‌ای از یک مصاحبه منتشر نشده با حسین مرعشی، دبیرکل حزب کارگزاران، از رسانه اکوایران در شبکه‌های اجتماعی به‌طور گسترده پخش شد که در آن مرعشی ادعای می‌کند چین سفر سردار قالیباف به پکن را مشروط به موارد زیر کرده است:

۱. باز کردن تنگه توسط ایران

۲. دریافت نکردن هیچ گونه عوارضی

۳. پایان دادن به اختلافات خود با آمریکا

۴. پایان دادن به اختلافات خود با آمریکا

با نگاهی به مورد اول و دوم و مقایسه آن با موضع چین در قبال بیانیه گروه ۲۰ که در بند قبلی توضیح داده شد، روشن می‌شود که با یک دروغ بزرگ مواجه ایم. مرعشی به عنوان یکی از شاخص‌ترین چهره‌های الیگارش غرب‌گرای ایران، رسماً در نقش تخریب‌چی روابط ایران و چین وارد میدان شده است تا با طرح ادعایی بی‌پایه، در یکی از صدها رسانه ریز و درشتی که مافیاهای اقتصادی برای تحمیق، دستکاری، و انحراف آذهان عمومی تدارک دیده‌اند، روابط راهبردی ایران با کشوری مانند چین در شرایط تحریم و محاصره اقتصادی راسست و غیرقابل اتکا جلوه دهند و چنین القا کنند که راهی به جز تسلیم پیش روی ایران باقی نمانده است.



چراغ تأمین کالا‌های اساسی در شرایط جنگی روشن ماند

✚ در شرایطی که تجارت خارجی کشور با محدودیت‌ها و ریسک‌های جدی مواجه بوده، جریان تأمین کالا‌های اساسی همچنان با ثبات قابل قبولی ادامه یافته‌است. واردات ۹.۶ میلیون تن کالای اساسی در پنج ماه نخست سال، آن هم با افت تنها ۴ درصدی ارزش واردات، نشان می‌دهد تأمین نیازهای ضروری بازار و حفظ امنیت غذایی همچنان در اولویت سیاست‌گذار قرار دارد.

آمار واردات کالا‌های اساسی در پنج‌ماهه نخست سال جاری نشان می‌دهد با وجود شرایط ویژه حاکم بر تجارت خارجی کشور، روند تأمین اقلام اساسی موردنیاز بازار با افت محدودی همراه بوده‌است. براساس آمارهای موجود، در این مدت حدود ۹.۶ میلیون تن کالای اساسی به ارزش تقریبی ۷ میلیارد دلار وارد کشور شده‌است؛ این در حالی است که در مدت مشابه سال گذشته حدود ۱۰.۶ میلیون تن کالای اساسی به ارزش ۷.۳ میلیارد دلار ترخیص شده بود.

بر این اساس، واردات کالا‌های اساسی در پنج‌ماهه نخست سال جاری نسبت به مدت مشابه سال گذشته از نظر وزنی حدود ۱۱ درصد و از نظر ارزشی حدود ۴ درصد کاهش یافته‌است. هرچند کاهش حجم واردات در نگاه نخست می‌تواند نشانه‌ای از افت تأمین کالا باشد اما بررسی این ارقام در کنار شرایط حاکم بر تجارت کشور نشان می‌دهد میزان کاهش واردات اقلام اساسی، به‌ویژه از نظر ارزشی، محدود بوده و نمی‌توان آن را نشانه اختلال جدی در تأمین نیازهای اساسی کشور دانست.

افت ۴ درصدی واردات در شرایط خاص تجاری

اهمیت این آمار زمانی بیشتر مشخص می‌شود که وضعیت تجارت خارجی کشور در ماه‌های ابتدایی سال مورد توجه قرار گیرد. در ماه نخست سال، در جنوب کشور شرایط جنگی برقرار بود و پس از آن نیز موضوع محاصره دریایی برای حدود سه ماه مطرح شد. از آنجا که بخش قابل توجهی از کالا‌های اساسی موردنیاز کشور از طریق بنادر جنوبی وارد می‌شود، طبیعی بود که استمرار چنین شرایطی بتواند بر روند ورود، تخلیه و ترخیص کالا‌های اساسی اثر منفی بگذارد. بنادر جنوبی کشور یکی از مهم‌ترین مسیرهای ورود کالا‌های اساسی، مواد اولیه و کالا‌های واسطه‌ای به کشور محسوب می‌شوند و هرگونه اختلال در فعالیت این بنادر، حمل‌ونقل دریایی، پهلوگیری کشتی‌ها یا انتقال کالا از مسیرهای دریایی می‌تواند مستقیماً بر زنجیره تأمین کالا و درنهایت بازار مصرف اثر بگذارد.

با این حال، آمار پنج‌ماهه نشان می‌دهد این اتفاق در مقیاس گسترده رخ نداده‌است. واردات کالا‌های اساسی از نظر ارزشی تنها حدود ۴ درصد کاهش داشته و ارزش واردات ۷.۳ میلیارد دلار در پنج‌ماهه نخست سال گذشته به حدود ۷ میلیارد دلار در سال جاری رسیده‌است. به عبارت دیگر، با وجود شرایطی که می‌توانست کاهش قابل توجهی در جریان واردات ایجاد کند، تأمین مالی و لجستیکی کالا‌های اساسی تا حد زیادی ادامه پیدا کرده‌است.

کاهش واردات کالا‌های اساسی کمتر از افت کلی واردات

یکی از نکات قابل توجه در بررسی این آمار، مقایسه عملکرد واردات کالا‌های اساسی با روند کلی واردات کشور است. در شرایطی که واردات سایر کالا‌ها و مجموع تجارت خارجی کشور با افت قابل توجهی مواجه شده، کاهش ۴ درصدی ارزش واردات کالا‌های اساسی را می‌توان نسبتاً محدود ارزیابی کرد. به بیان دیگر، در شرایطی که واردات کل کشور با افتی در حدود ۲۵ درصد مواجه شده، واردات کالا‌های اساسی فقط ۴ درصد از نظر ارزشی کاهش یافته‌است. این اختلاف معنادار نشان می‌دهد که کالا‌های اساسی در اولویت سیاست تجاری و ارزی کشور قرار داشته‌اند و دولت تلاش کرده حتی در شرایط دشوار نیز جریان تأمین این اقلام متوقف نشود.

این موضوع از منظر سیاست‌گذاری اقتصادی اهمیت زیادی دارد؛ چراکه در دوره‌های بروز شوک‌های خارجی، نخستین اولویت دولت باید جلوگیری از اختلال در تأمین کالا‌های ضروری و حفظ ثبات بازار اقلام موردنیاز خانوارها باشد. تجربه بسیاری از اقتصادها نیز نشان داده که در شرایط بحران، هرگونه اختلال در زنجیره تأمین مواد غذایی می‌تواند آثار اقتصادی و اجتماعی به‌مراتب بزرگ‌تری از یک کاهش معمول در واردات داشته باشد.

امنیت غذایی؛ خط قرمز سیاست تجاری

کالا‌های اساسی ارتباط مستقیمی با سفره خانوار دارند و به همین دلیل تأمین مستمر آنها تنها یک موضوع تجاری یا ارزی نیست، بلکه بخشی از امنیت غذایی کشور محسوب می‌شود. غلات، روغن، نهاده‌های دامی، برنج و سایر اقلام اساسی باید حتی در شرایط بحرانی نیز با حداقل اختلال وارد کشور شوند تا شوک‌های خارجی به بازار مصرف داخلی منتقل نشود. از این منظر، تمرکز دولت بر حفظ جریان واردات کالا‌های اساسی را می‌توان تصمیمی درست در حوزه سیاست‌گذاری اقتصادی دانست. اگرچه ممکن است کاهش ۱۱ درصدی وزن واردات در نگاه نخست قابل توجه باشد اما معیار مهم برتری ارزیابی وضعیت تأمین بازار، استمرار ورود کالا و جلوگیری از کمبود در اقلام حیاتی است.

درواقع، زمانی که واردات کل کشور با افت حدود ۲۵ درصدی مواجه شده اما واردات کالا‌های اساسی از نظر ارزشی تنها ۴ درصد کاهش یافته، می‌توان نتیجه گرفت که تمرکز دولت در کاهش یا محدود کردن واردات کالا‌های اساسی به درستی عمل کرده و این اقلام از سایر کالا‌ها تفکیک شده‌اند.

حفظ سفره مردم در اولویت قرار گرفت

کاهش ارزش واردات کالا‌های اساسی از ۷.۳ میلیارد دلار به حدود ۷ میلیارد دلار، به معنای کاهش حدود ۳۰۰ میلیون دلاری است؛ رقمی که در مقایسه با شرایط خاص تجارت خارجی کشور و محدودیت‌های ایجادشده در مسیرهای دریایی، افت محدودی محسوب می‌شود.

از سوی دیگر، کاهش ۱۱ درصدی وزن واردات در حالی رخ داده که ممکن است بخشی از تغییرات مربوط به ترکیب کالا‌های وارداتی و ارزش واحد کالا‌ها باشد؛ بنابراین صرفاً کاهش وزنی نمی‌تواند به معنای کاهش متناسب میزان تأمین نیاز داخلی تلقی شود. برای ارزیابی دقیق‌تر وضعیت بازار باید موجودی انبارها، میزان تولید داخلی، مصرف، ذخایر راهبردی و سرعت ترخیص کالای نیز در کنار آمار واردات بررسی شود. بااین حال، داده‌های موجود یک پیام روشن دارد: جریان ورود کالا‌های اساسی به کشور در پنج‌ماهه نخست سال، با وجود شوک‌های امنیتی و محدودیت‌های تجاری، دچار افت شدید نشده‌است. این موضوع می‌تواند برای بازار و مصرف‌کنندگان خبر مثبتی باشد؛ چراکه استمرار واردات، یکی از پیش شرط‌های جلوگیری از ایجاد کمبود و جهش‌های ناگهانی قیمت در کالا‌های اساسی است.



پاسخ‌های کوبنده ارتش و سپاه به جنایات آمریکا

گزارش

✚ حمله ارتش آمریکا به مناطق جنوبی ایران از شب چهارشنبه

با موجی از پاسخ‌های موشکی و پهپادی نیروهای مسلح همراه شده است؛ پاسخی که با شکار پنجاهمین پهپاد MQ-9 آمریکا در جنوب کشور آغاز شد و با حملات سپاه و ارتش به پایگاه‌ها و مراکز نظامی آمریکا در اردن، اربیل و بحرین ادامه پیدا کرد.

نیروی هوافضای سپاه علاوه بر شکار یک پهپاد MQ-9، دو مرکز نظامی مورد استفاده آمریکا در اردن را با موشک‌های بالستیک هدف قرار داد، نیروی زمینی سپاه با ترکیبی از موشک و پهپاد به تأسیسات آمریکایی در اربیل حمله کرد و ارتش جمهوری اسلامی ایران نیز در بیست‌ونهمین مرحله عملیات «صاعقه»، پایگاه شیخ عیسی بحرین را زیر ضرب پهپادهای انهدامی برد.

در این عملیات‌ها، اهداف مختلفی از محل استقرار نیروهای آمریکایی و بالگرد‌های هجومی تا آشیانه پهپاد‌های MQ-9 و 9. تأسیسات راداری، مراکز تعمیراتی، انبارهای تجهیزات فنی و مخازن سوخت هدف قرار گرفتند.

حمله به جنوب ایران؛ آغاز دور تازه درگیری‌ها

دور تازه درگیری‌ها پس از آن آغاز شد که ارتش آمریکا نقاط متعددی در سواحل جنوبی ایران را بمباران کرد. براساس اعلام سپاه پاسداران، در جریان این حملات چند مکان غیرنظامی نیز مورد اصابت قرار گرفت که یکی از آنها منزلی در شهرستان سیریک هرمزان بود؛ جایی که مراسم عقد یک زوج جوان اهل سنت در آن در حال برگزاری بود.

طبق آخرین آمار اعلام‌شده از سوی سپاه، حدود ۷۰ نفر از حاضران در این مراسم مورد اصابت قرار گرفتند که چهار نفر از آنان از جمله یک کودک جان باختند و حال تعدادی از مجروحان نیز وخیم گزارش شده‌است.

سپاه پس از این حملات از آغاز پاسخ به نیروهای آمریکایی خبر داد و همزمان تأکید کرد که بمباران مناطق جنوبی تغییریری در

وضعیت تنگه هرمز ایجاد نخواهد کرد. در اطلاعیه روابط عمومی سپاه آمده بود که این حملات «قفل تنگه هرمز را محکم‌تر» و عزم نیروهای ایرانی برای مقابله با نیروهای مداخله‌گر در این منطقه را بیشتر کرده‌است.

نخستین ضربه نیز با شکار یک پرندۀ متخاصم به آمریکایی‌ها وارد شد؛ جایی‌که یک فروند پهپاد پیشرفته MQ-9 ارتش آمریکا توسط سامانه نوین پدافندی نیروی هوافضای سپاه هدف قرار گرفت و ساقط شد.

سپاه اعلام کرد این پرندۀ، پنجاهمین فروند MQ-9 آمریکایی است که توسط نیروهای ایرانی ساقط می‌شود.

اما شکار پهپاد آمریکایی تنها آغاز پاسخ بود و پس از آن، عملیات از محدوده تنگه هرمز فراتر رفت و موشک‌های بالستیک نیروی هوافضای سپاه به سمت مواضع آمریکا در اردن شلیک شدند.

موشک‌های بالستیک به دو پایگاه آمریکا در اردن رسیدند

نخستین هدف حملات در اردن، پادگان تفنگداران آمریکایی موسوم به «کمپ تئین» در سواحل خلیج عقبه بود. نیروی هوافضای سپاه در موج دوم «عملیات تنبیه متجاوز» با رمز «یا رسول الله (ص)»، این پادگان را با موشک‌های بالستیک هدف حمله سنگین قرار داد.

طبق اطلاعیه شماره ۴ سپاه، در جریان این حمله چند تأسیسات مهم و بالگرد‌های هجومی آمریکا منهدم شدند و تعدادی از نیروهای آمریکایی نیز کشته شدند.

حملات در اردن اما به کمپ تئین محدود نماند و در ادامه، پایگاه «پرنس حسن» نیز هدف موشک‌های بالستیک قرار گرفت. این بار آشیانه پهپادهای دورپرواز MQ-9 و 4. آمریکا هدف اصلی حمله بود.

براساس اطلاعیه شماره ۵ سپاه، تعدادی از پهپادهای مستقر در این آشیانه‌ها منهدم شدند و چند زیرساخت فنی نیز به آتش کشیده شد. سپاه همچنین از کشته شدن تعدادی از خلبانان و ختمه فنی پرواز در جریان این حمله خبر داد.

به این ترتیب، در فاصله کوتاهی دو مجموعه نظامی مورد استفاده

آمریکا در اردن زیر آتش بالستیک قرار گرفتند؛ در کمپ تئین، نیروها، تأسیسات و بالگرد‌های هجومی و در پرنس حسن، بخشی از توان پهپادی و زیرساخت‌های فنی مرتبط با آن هدف قرار گرفتند. و تأسیسات آمریکایی در اربیل را با ترکیبی از موشک و پهپاد در عراق نیز فعال شد.

نیروی زمینی سپاه وارد میدان شد

با گسترش دامنه پاسخ، نیروی زمینی سپاه نیز وارد عملیات شد و تأسیسات آمریکایی در اربیل را با ترکیبی از موشک و پهپاد هدف قرار داد.

این بار بخش دیگری از زیرساخت‌های نظامی آمریکا در کانون حملات قرار داشت.

طبق اطلاعیه شماره ۶ سپاه، یک مرکز تعمیراتی و انبارهای تجهیزات فنی ارتش آمریکا در جریان عملیات نابود شد و سامانه هدایت

بالن جاسوسی آمریکا نیز مورد اصابت قرار گرفت و منهدم شد. مخازن سوخت نیز هدف قرار گرفتند و دچار آتش سوزی شدند. سپاه همچنین اعلام کرد تعدادی از نیروهای آمریکایی در جریان این حمله کشته شده‌اند.

عملیات اربیل علاوه بر گسترش جغرافیایی حملات، از جهت شیوه اجرا نیز متفاوت بود. در حالی که اهداف اردن با موشک‌های بالستیک نیروی هوافضای سپاه هدف قرار گرفته بودند، نیروی زمینی سپاه در اربیل یک حمله تلفیقی موشکی پهپادی را اجرا کرد.

تا این مرحله، پاسخ ایران از شکار هدف در آسمان کشور به حملات بالستیک در اردن و عملیات ترکیبی در اربیل رسیده بود؛ اما

همزمان، ارتش جمهوری اسلامی ایران نیز جبهه دیگری را در خلیج فارس فعال کرد.

«صاعقه ۲۹»؛ پهپاد‌های ارتش پایگاه شیخ عیسی را زدند

در بیست‌ونهمین مرحله عملیات «صاعقه»، ارتش جمهوری اسلامی ایران پایگاه شیخ عیسی بحرین را هدف حملات پرحجم پهپادهای انهدامی قرار داد.

براساس اعلام روابط عمومی ارتش، تأسیسات راداری و مراکز تجمع نیروهای آمریکایی در این پایگاه اهداف اصلی حمله بودند. پایگاه شیخ عیسی یکی از مراکز مهم مورد استفاده آمریکا در منطقه خلیج فارس است و طبق اعلام ارتش، از مراکز تعمیر و نگهداری بالگرد‌ها و قطعات پهپاد‌ها نیز به شمار می‌رود و میزبان هواپیماهای شناسایی است.

ورود ارتش به این دور از عملیات‌ها، محور دیگری را به پاسخ اضافه کرد؛ به‌گونه‌ای که در کنار عملیات پدافندی و بالستیک نیروی هوافضای سپاه و عملیات تلفیقی نیروی زمینی سپاه، پهپادهای انهدامی ارتش نیز یکی از مراکز نظامی آمریکا در بحرین را هدف قرار دادند.

در نتیجه، نیروهای مسلح ایران از چند ابزار متفاوت برای پاسخ استفاده کرده‌اند؛ سامانه پدافندی برای MQ-9، موشک‌های بالستیک برای حمله به اهداف اردن، ترکیب موشک و پهپاد در اربیل و پهپادهای انهدامی برای حمله به شیخ عیسی.

اهداف انتخاب‌شده نیز طیف متنوعی از زیرساخت‌های نظامی آمریکا را شامل می‌شوند؛ از محل استقرار نیروها و بالگرد‌های هجومی گرفته تا آشیانه پهپاد‌های MQ-9 و 4. تأسیسات راداری، مراکز تعمیر و نگهداری، انبارهای تجهیزات فنی، مخازن سوخت و زیرساخت‌های مرتبط با عملیات شناسایی.

از هرمز تا خلیج عقبه؛ عملیات هنوز ادامه دارد

کنار هم قرار دادن اتفاقات، دامنه جغرافیایی پاسخ نیروهای مسلح ایران را نشان می‌دهد.

نخست، پهپاد MQ-9 آمریکا در آسمان جنوب ایران ساقط شد. پس از آن موشک‌های بالستیک نیروی هوافضای سپاه به کمپ تئین و پایگاه پرنس حسن در اردن رسیدند؛ نیروی زمینی سپاه تأسیسات آمریکایی در اربیل را با موشک و پهپاد هدف قرار داد و در ادامه، ارتش جمهوری اسلامی ایران با پهپادهای انهدامی به پایگاه شیخ عیسی بحرین حمله کرد.

به این ترتیب، طی چند ساعت، چند پایگاه و مرکز نظامی مورد استفاده نشان که سه کشور منطقه هدف قرار گرفتند و همزمان پنجاهمین MQ-9 آمریکا نیز در آسمان جنوب ایران ساقط شد. این رشته عملیات در عین حال تنها توسط یک نیرو اجرا نشده

است؛ نیروی هوافضای سپاه، نیروی زمینی سپاه و ارتش جمهوری اسلامی ایران هر کدام بخشی از عملیات‌ها را برعهده داشته‌اند. نقطه مشترک اطلاعیه‌های منتشرشده نیز تأکید بر ادامه پاسخ است. سپاه در نخستین اطلاعیه خود اعلام کرد «پاسخ پشیمان‌کننده متجاوزان» آغاز شده و پس از اعلام حملات اردن و اربیل نیز بر ادامه عملیات تأکید کرد. ارتش نیز پس از اجرای مرحله بیست‌ونهم عملیات صاعقه اعلام کرد که پاسخ به حملات دشمن را ادامه خواهد داد.

همزمان، موضع سپاه درباره هرمز نیز بدون تغییر باقی مانده‌است. سپاه در واکنش به حملات آمریکا اعلام کرد این حملات نه تنها به باز شدن تنگه منجر نمی‌شود، بلکه «قفل تنگه هرمز را محکم‌تر» خواهد کرد.

در نتیجه، حملاتی که با بمباران مناطق جنوبی ایران آغاز شد، به رشته‌ای از عملیات‌های پدافندی، موشکی و پهپادی علیه مواضع آمریکا در منطقه تبدیل شده‌است؛ از شکار MQ-9 در جنوب ایران و شلیک بالستیک به دو هدف در اردن تا حمله تلفیقی به اربیل و «صاعقه ۲۹» ارتش علیه پایگاه شیخ عیسی بحرین؛ عملیاتی که براساس آخرین اطلاعیه‌های نیروهای مسلح، هنوز پایان آن اعلام نشده‌است.

افت ۱۴.۷ درصدی کرک اسپرد پالایشگاه‌های بورس؛ ۳۳ دلار در هر بشکه

✚ کرک اسپرد پالایشگاه‌های بورسِ پس از چند هفته نوسان، در هفته منتهی به ۶ شهریورماه وارد مسیر نزولی شد و با افت ۱۴.۷ درصدی به ۲۳ دلار در هر بشکه رسید؛ کاهشِی که در صورت تداوم می‌تواند حاشیه سود پالایشگاه‌ها و چشم‌انداز سودآوری نمادهای پالایشی راحتم تأثیر قرار دهد. میانگین کرک اسپرد (اختلاف قیمت بین فرآورده‌های نفتی تولیدشده و نفت خام مصرف‌شده به عنوان خوراک؛ این عدد، حاشیه سود ناخالص پالایشگاه به ازای هر بشکه پالایشگاه نشان می‌دهد) ۵ فرآورده اصلی پالایشگاه‌های بورسِ در هفته منتهی به ۶ شهریورماه با کاهش ۱۴.۷ درصدی نسبت به هفته قبل، به ۲۳ دلار به ازای هر بشکه رسید. کرک اسپرد یا حاشیه سود پالایشی، یکی از مهم‌ترین متغیرهای اثرگذار بر سودآوری پالایشگاه‌هاست و تغییرات آن می‌تواند به‌طور مستقیم بر چشم‌انداز عملکرد شرکت‌های پالایشی حاضر در بازار سرمایه اثرگذار باشد. بررسی داده‌های ارائه‌شده درباره کرک اسپرد پالایشگاه‌های بورسِ نشان می‌دهد میانگین این شاخص در هفته منتهی به ۲۲ مردادماه حدود ۴۰ دلار بوده که در هفته بعد به حدود ۳۹ دلار رسیده‌است.

این روند در هفته منتهی به ۶ شهریور با افت بیشتری همراه شده و میانگین کرک اسپرد به ۳۲ دلار کاهش یافته‌است. در آخرین هفته مورد بررسی، کرک اسپرد فرآورده‌های اصلی پالایشگاه‌ها نیز در سطوح

متفاوتی قرار داشته‌است؛ به طوری که در نمودار ارائه‌شده، ارقام ثبت‌شده برای پالایشگاه‌های مورد بررسی ۲۷،۲۹،۳۶،۳۴،۳۴ و ۲۷.۲۸ دلار به ازای هر بشکه بوده‌است. بر این اساس، بالاترین رقم مربوط به پالایشگاه شیراز با ۳۸ دلار و پایین‌ترین رقم مربوط به پالایشگاه شوان با ۲۷ دلار بوده‌است. روند تاریخی این شاخص در نمودار نشان می‌دهد کرک اسپرد در ماه‌های اخیر نوسانات قابل توجهی داشته‌است. این شاخص در مقطعی تا حدود ۱۴ دلار کاهش یافته اما پس از آن با جهش قابل توجهی مواجه شده و در یک مقطع به ۶۹ دلار به ازای هر بشکه رسیده‌است. پس از ثبت این سقف، کرک اسپرد وارد مسیر نزولی شد و تا محدوده ۲۳ دلار نیز کاهش یافت؛ هرچند در ادامه مجدداً روندی صعودی در پیش گرفت و در مقطعی به ۳۳ دلار رسید. رقم ۳۳ دلاری هفته منتهی به ۶ شهریور نشان می‌دهد این شاخص همچنان فاصله قابل توجهی با سقف ۶۹ دلاری ثبت‌شده در ماه‌های گذشته دارد.

تأثیر معاهدات شانگهای بر رفع چالش‌های اقتصاد ایران

گزارش

دکتر بهزاد خانی

چین، روسیه و هند، می‌توانند با ایجاد مکانیسم‌های پرداخت جایگزین و استفاده از پول ملی در مبادلات تجاری، وابستگی ایران به دلار آمریکا و سیستم‌های مالی غربی را کاهش دهند.

افزایش رقابت پذیری: مذاکرات تجاری و توافقات تعرفه‌ای در چارچوب سازمان، هزینه‌های مبادله را کاهش می‌دهد و به محصولات غیرنفتی ایران مانند پتروشیمی، محصولات کشاورزی و مواد معدنی اجازه می‌دهد تا با قیمتی رقابتی به بازارهای بزرگ اوراسیا دست یابند. این امر، به تنوع بخشی سبد صادراتی ایران و کاهش وابستگی آن به درآمدهای نفتی کمک می‌کند.

ب انرژی و نقش ترانزیتی استراتژیک

موقعیت جغرافیایی ایران به عنوان یک پل زمینی در چهارراه آسیا، یک دارایی ژئواستراتژیک محسوب می‌شود. عضویت در SCO به ایران امکان می‌دهد تا نقش کلیدی خود را در کریدورهای ترانزیتی مانند

کریدور بین المللی حمل و نقل شمال - جنوب (INSTC) تقویت کند (Wang, 2019). این کریدور، که هند را از طریق ایران به روسیه و اروپا متصل می‌کند، زمان و هزینه حمل و نقل کالا را به صورت چشمگیری کاهش می‌دهد و می‌تواند به یک منبع درآمدی پایدار و قابل اتکای برای ایران تبدیل شود.

در حوزه انرژی، ایران به عنوان یکی از بزرگترین دارندگان ذخایر نفت و گاز جهان، می‌تواند از طریق قراردادهای بلندمدت با اعضای پرمصرف SCO، به‌ویژه چین و هند، بازارهای مطمئن برای فروش منابع خود تضمین کند (Kellner & Djailili, 2018). این قراردادها، ثبات درآمدی بیشتری را برای ایران به ارمغان می‌آورند و از نوسانات شدید قیمت‌های جهانی مصون می‌مانند.

جذب سرمایه‌گذاری خارجی و توسعه زیرساخت‌ها نیاز به سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های فرسوده، یکی از بزرگترین چالش‌های اقتصادی ایران است. عضویت در SCO می‌تواند این مانع را با جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) از سوی اعضای سازمان برطرف سازد. کشورهایی مانند چین و روسیه، به دنبال فرصت‌های سرمایه‌گذاری در بخش‌هایی مانند بندر (بندر چابهار)، خطوط ریلی، و پروژه‌های انرژی هستند.

سازمان شانگهای با فراهم کردن یک چارچوب حقوقی و سیاسی امن‌تر، می‌تواند ریسک‌های سرمایه‌گذاری برای شرکت‌های خارجی را کاهش داده و به جریان سرمایه‌های کلان به سمت ایران کمک کند.

چالش‌ها و ملاحظات پیش رو

با وجود پتانسیل‌های عظیم، مسیر پیش روی برای ایران خالی از چالش نیست. موفقیت در بهره‌برداری از فرصت‌های SCO، به غلبه بر این موانع بستگی دارد. چالش‌های داخلی: برای جذب سرمایه و تسهیل تجارت، ایران باید به اصلاحات داخلی بپردازد. موانع بیرونگراتیک: نظام حقوقی پیچیده، و ریسک‌های سیاسی داخلی می‌توانند مانعی جدی بر سر راه سرمایه‌گذاران باشند.

رقابت منطقه‌ای: ایران در حوزه ترانزیت با رقبای منطقه‌ای مانند ترکیه و قفقاز رقابت می‌کند. برای تبدیل شدن به یک هاب ترانزیتی اصلی، ایران نیاز به عضویت، فرصت‌ها و چالش‌های پیش رو، و ترسیم یک چشم‌انداز واقع‌بینانه از آینده اقتصاد ایران در این بستر جدید می‌پردازد.

زمینه‌های اقتصادی ایران در جستجوی راه‌سود

اقتصاد ایران از زمان انقلاب، همواره با چالش وابستگی به صادرات نفت و گاز دست و پنجه نرم کرده است. این وابستگی، آن را در برابر نوسانات قیمت‌های جهانی آسیب‌پذیر ساخته و مدیریت اقتصادی را دشوار کرده است.

با این حال، بزرگ‌ترین ضربه بسر‌پیکره اقتصاد ایران، تحریم‌های یکجانبه و چندجانبه‌ای بود که دسترسی این کشور به نظام مالی جهانی، بازارهای صادراتی کلیدی و فناوری‌های پیشرفته را به شدت محدود ساخت. این فشارها نه تنها به کاهش شدید درآمد‌های ارزی و فرار سرمایه منجر شد، بلکه بر ارزش پول ملی و نرخ تورم نیز تأثیر منفی گذاشت (Djalili & Kellner, 2018). در چنین شرایطی، راهبرد «نگاه به شرق» و توسعه روابط با قدرت‌های اقتصادی در حال رشد مانند چین، روسیه و هند، به یک رویکرد حیاتی برای مقابله با انزوای تبدیل شد.

سازمان همکاری شانگهای، که در ابتدا اهداف امنیتی تأسیس شد، به مرور زمان به یک بلوک اقتصادی قدرتمند تبدیل شده است (Krasna, 2020). این سازمان، با دربرگرفتن کشورهای دارای پتانسیل‌های اقتصادی و جمعیتی بزرگ، یک بستر چند جانبه برای همکاری‌های تجاری، انرژی و زیرساختی فراهم می‌کند. برای ایران، پیوستن به این سازمان، به منزله یافتن یک پلتفرم جایگزین است که می‌تواند بخشی از خسارت‌های ناشی از تحریم‌ها را جبران کند و اقتصاد را مسیر تک‌بعدی خارج سازد.

فرصت‌های کلیدی اقتصادی در بستر SCO

عضویت در سازمان همکاری شانگهای، فرصت‌های اقتصادی متعددی را برای ایران در حوزه‌های مختلف فراهم می‌آورد. این فرصت‌ها، در صورت بهره‌برداری صحیح، می‌توانند به تغییر مسیر توسعه اقتصادی کشور کمک کنند.

الف) تجارت و تنوع بخشی به شرکای اقتصادی

یکی از فوری‌ترین مزایای عضویت در SCO، پتانسیل عظیم آن در تسهیل و گسترش تجارت خارجی ایران است. تحریم‌های مالی و بانکی بین المللی، فرآیندهای تجاری ایران را مختل کرده و دسترسی به بازارهای سنتی را محدود ساخته‌اند. SCO با تمرکز بر توسعه همکاری‌های تجاری میان اعضا، می‌تواند این موانع را از بین ببرد.

گذر از محدودیت‌ها: کشورهای عضو SCO مانند



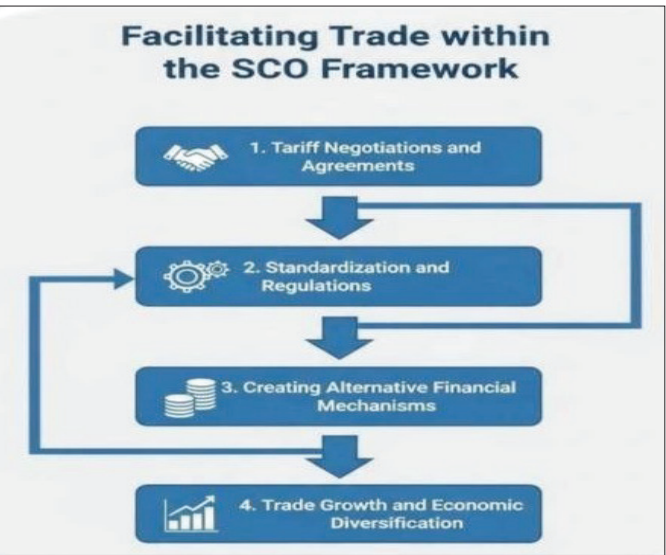
مرحله ۱: مذاکرات و توافقات تعرفه‌ای: کشورهای عضو SCO با یکدیگر مذاکره کرده و تعرفه‌ها و سهمیه‌های تسهیل و گسترش تجارت خارجی ایران است. در سال‌های اخیر، تحریم‌های مالی و بانکی بین المللی، فرآیندهای تجاری ایران را به شدت مختل کرده و دسترسی به بازارهای سنتی و سیستم‌های پرداخت جهانی را محدود ساخته‌اند. در این شرایط، سازمان همکاری شانگهای به عنوان یک پلتفرم جایگزین و تسهیل‌کننده برای دوزدن این محدودیت‌ها عمل می‌کند (Jones, 2021).

عضویت کامل، ایران را در چارچوب مذاکرات و توافق‌های تجاری مشترک با اعضا قرار می‌دهد. این مذاکرات می‌تواند به کاهش یا حذف موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای منجر شود که در حال حاضر تجارت دوجانبه سنگینی می‌کنند. این فرآیند، هزینه‌های مبادله را کاهش می‌دهد و رقابت‌پذیری محصولات ایرانی را در بازارهای کشورهای عضو SCO افزایش می‌دهد. به‌ویژه، بازارهای بزرگ و پرجمعیت چین، هند و روسیه، که همگی اعضای اصلی سازمان هستند، می‌توانند به عنوان مقاصد صادراتی جدید و مطمئن برای محصولات غیرنفتی ایران مانند پتروشیمی، مواد معدنی، محصولات کشاورزی و صنایع دستی عمل کنند.

فراتر از کاهش تعرفه‌ها، سازمان شانگهای می‌تواند به توسعه مکانیسم‌های پرداخت جایگزین نیز کمک کند که مستقل از دلار آمریکا و سیستم‌های مالی غربی عمل می‌کنند. این امر، ریسک‌های ناشی از تحریم‌های بانکی را به حداقل می‌رساند و امکان انجام تراکنش‌های مالی با سهولت بیشتری را فراهم می‌آورد. این رویکرد، به‌ویژه برای کشوری مانند ایران که تحریم‌های شدید دارد، حیاتی است و می‌تواند ثبات بیشتری به جریان‌های تجاری آن بخشد.

در مجموع، عضویت در SCO نه تنها به تنوع بخشی سبب صادراتی و وارداتی ایران کمک می‌کند، بلکه به پیوند زدن اقتصاد ایران به پویاترین اقتصادهای اوراسیا، وابستگی تاریخی این کشور به اقتصادهای غربی را کاهش می‌دهد. این تغییر جهت‌گیری می‌تواند به عنوان یک استراتژی بلندمدت برای مقابله با فشارهای بیرونی و ایجاد یک اقتصاد مقاومتی و انعطاف‌پذیر عمل کند. (فلوگارت)

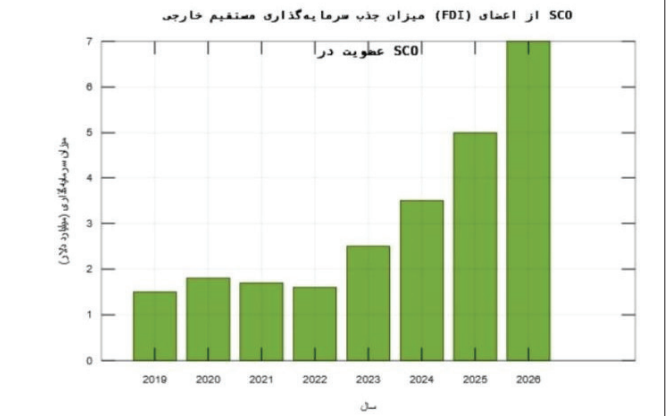
علاوه بر ترانزیت، بخش انرژی نیز از عضویت در SCO سود می‌برد. ایران به عنوان یکی از بزرگ‌ترین دارندگان ذخایر نفت و گاز جهان، می‌تواند از طریق قراردادهای بلندمدت با کشورهای پرمصرف انرژی مانند چین و هند، بازارهای مطمئن برای فروش منابع خود تضمین کند (Djalili & Kellner, 2018). این قراردادها، امنیت انرژی را برای کشورهای خریدار



فلوگارت ۱- فرآیند تسهیل تجارت در بستر SCO

سال	سنا یو بی (میلیارد دلار)	SCO سنا یو بی بدون سال
۲۰	۲۵	۱
۲۵	۲۴	۲
۴۲	۲۳	۳
۵۰	۲۲	۴
۶۰	۲۱	۵

جدول ۱: داده‌های شبه‌سازی برای حجم تجارت



نمودار ۲: میزان جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) از سوی کشورهای عضو SCO قبل و پس از عضویت کامل ایران

کریدورهای بزرگ، رخ داده است. در مقابل، سناریوی دوم، با فرض فعال سازی کامل کریدور بین المللی شمال-جنوب (INSTC) در بستر همکاری‌های SCO، تصویری کاملاً متفاوت را ترسیم می‌کند. همان‌طور که مشاهده می‌شود، خطر روند از وابستگی به بازارهای غیرمطمئن جهانی باید. این بخش از همکاری‌ها، نه تنها یک فرصت اقتصادی، بلکه یک ابزار ژئوپلیتیک برای تقویت جایگاه ایران در منطقه و جهان است.

ج سرمایه‌گذاری و توسعه زیرساخت‌ها

یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های اقتصاد ایران، نیاز مبرم به سرمایه‌گذاری خارجی در بخش‌های زیربنایی است. تحریم‌ها، دسترسی به منابع مالی و فناوری‌های پیشرفته را برای توسعه پروژه‌های کلان، به‌ویژه در حوزه‌های نفت و گاز و حمل و نقل، به شدت محدود کرده‌اند.

عضویت در سازمان همکاری شانگهای، می‌تواند به ایران کمک کند تا این مانع را برطرف سازد، چراکه این سازمان بستری برای جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) از کشورهای عضو، به‌ویژه چین، روسیه و هند، فراهم می‌آورد (Jones, 2021). این کشورها، به دنبال بازارهای جدید و فرصت‌های سرمایه‌گذاری در اوراسیا هستند و ایران با داشتن زیرساخت‌های حمل و نقل و ذخایر انرژی غنی، به یک مقصد جذاب برای آنها تبدیل می‌شود. سرمایه‌گذاری‌های آتی می‌تواند در پروژه‌های حیاتی ایران به کار گرفته شود. از جمله این پروژه‌ها، توسعه بندر چابهار است که با سرمایه‌گذاری هند، می‌تواند به یک مرکز استراتژیک در کریدور شمال-جنوب تبدیل شود و دسترسی کشورهای محصور در خشکی آسیای مرکزی به آب‌های آزاد را فراهم سازد.

همچنین، توسعه خطوط ریلی و جاده‌ای برای تکمیل کریدورهای ترانزیتی و مدرن‌سازی زیرساخت‌های نفتی و انرژی، نیاز به سرمایه‌های کلانی دارد که اعضای SCO می‌توانند در تأمین آن نقش آفرینی کنند. این سرمایه‌گذاری‌ها نه تنها به بهبود زیرساخت‌ها منجر می‌شود، بلکه به ایجاد اشتغال، انتقال فناوری و افزایش بهره‌وری در اقتصاد ایران کمک خواهد کرد.

عضویت در SCO می‌تواند به ایجاد اعتماد در میان سرمایه‌گذاران خارجی نیز کمک کند. با پیوستن به یک نهاد بزرگ منطقه‌ای، ایران از چارچوب‌های حقوقی و اقتصادی مشترک بهره‌مند می‌شود که ریسک‌های سرمایه‌گذاری را برای شرکت‌های خارجی کاهش می‌دهد (Djalili & Kellner, 2018). در نتیجه، ایران می‌تواند علاوه بر جذب سرمایه، به یک قطب مالی و اقتصادی در منطقه تبدیل شود و نقش مهمی در توسعه پروژه‌های بزرگ اوراسیایی ایفا کند. (شکل ۱)

در بررسی‌های علمی، تحلیل‌های نظری و کیفی زمانی اعتبار بیشتری می‌یابند که با شواهد کمی و مدل‌های داده‌محور تأیید شوند. در این راستا، برای گذر از تحلیل‌های صرفاً مفهومی، از یک مدل سازی رایانه‌ای در محیط متلب (MATLAB) بهره‌گرفتیم تا تصویرروشنی از پیامدهای اقتصادی عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای ارائه دهیم. این شبهه‌سازی، دو مسیر متفاوت را برای آینده اقتصاد ایران به تصویر می‌کشد: مسیری که در آن ایران همچنان با محدودیت‌های تجاری روبه‌رو است، و مسیری که در آن از ظرفیت‌های سازمان شانگهای بهره‌می‌برد.

این مدل، با در نظر گرفتن متغیرهایی چون حجم اولیه تجارت، تأثیر مستقیم تحریم‌ها و ضرب‌بازریختی همکاری‌های SCO، دو سناریو را در یک بازه زمانی مشخص به صورت پویا مقایسه می‌کند. نتایج این شبیه‌سازی، در شکل ۲ به صورت بصری و در جدول ۱ به صورت کمی قابل مشاهده است.

نمودار ۱ نشان می‌دهد که چگونه حجم مبادلات تجاری ایران با اعضای SCO پس از پیوستن رسمی به سازمان، روند صعودی و با شتاب بیشتری به خود گرفته است.

این نمودار به صورت بصری و مستند، یک تغییر پارادایم در روابط تجاری ایران را به نمایش می‌گذارد. در دوره زمانی پیش از عضویت کامل ایران، همان‌طور که در نمودار مشاهده می‌شود، حجم مبادلات تجاری با کشورهای عضو SCO اگرچه روندی صعودی داشته، اما این رشد نسبی بوده و از نوسانات اقتصاد جهانی و فشارهای تحریمی متأثر بوده است. این وضعیت، متعکس کننده یک رابطه تجاری در سطح معمول و بدون بهره‌مندی از پتانسیل‌های کامل یک بلوک

اقتصادی بزرگ است. اما پس از نقطه عطف عضویت کامل در سازمان، خط خودمی‌گیرد. این افزایش ناگهانی و پایدار در حجم تجارت، نشان‌دهنده یک تحول ساختاری است. این جهش را می‌توان به عوامل متعددی نسبت داد: کاهش موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای، تسهیل در رویه‌های گمرکی، و فعال شدن مکانیسم‌های مالی جایگزین که در بستر سازمان شانگهای ایجاد شده‌اند. این داده‌ها به وضوح تأیید می‌کنند که عضویت در این سازمان، به عنوان یک کاتالیزور قدرتمند، توانسته است حجم تجارت ایران را به صورت قابل توجهی افزایش دهد و یک مسیر جایگزین و مطمئن برای تجارت خارجی در برابر فشارهای تحریمی فراهم سازد. نمودار خطی نشان‌دهنده پتانسیل رشد قابل توجه درآمدهای ترانزیتی ایران در صورت بهره‌برداری کامل از این کریدور است که با عضویت در SCO تسریع می‌شود.

این نمودار خطی، یک تحلیل آینده‌نگر از پتانسیل اقتصادی ایران در حوزه ترانزیت را ارائه می‌دهد. در سناریوی اول، که نشان‌دهنده وضعیت فعلی است، درآمد ترانزیتی ایران مسیری ثابت و تغییر قابل توجهی را دنبال می‌کند. این وضعیت به دلیل عدم بهره‌برداری کامل از پتانسیل‌های ترانزیتی، به‌ویژه در

دوره‌های بحرانی، به‌ایران فرصت می‌دهد تا وابستگی تاریخی به یک الگوی اقتصادی تک‌قطبی رها شود. از طریق تعمیق روابط تجاری با غول‌های اقتصادی چون چین و روسیه و همسایگان آسیای مرکزی، ایران می‌تواند شبکه‌های اقتصادی خود را متنوع سازد و در برابر شوک‌های بیرونی مقاومت بیشتری کسب کند. نقش آفرینی در کریدورهای ترانزیتی همچون کریدور شمال-جنوب (INSTC)، به ایران امکان می‌دهد تا از موقعیت جغرافیایی منحصر به فرد خود به عنوان پلی میان شرق و غرب بهره‌برداری کند و درآمد‌های پایداری از جریان کالا و انرژی کسب نماید.

همچنین، این عضویت می‌تواند یخ انجماد سرمایه‌گذاری‌های خارجی را بشکند و سرمایه‌های حیاتی را به سوی زیرساخت‌های فرسوده و پروژه‌های اقتصادی و استراتژیک این کشور بکشد. با این حال، این مسیر نیز خالی از چالش نیست. برای برداشت کامل ثمرات این عضویت، ایران باید موانع بیرونگراتیک را از میان بردارد و زیرساخت‌های داخلی خود را به‌روز رسانی کند. در نهایت، پیوستن به خانواده همکاری‌های گامی است که می‌تواند ایران را از تأثیر گذار در اقتصاد اوراسیا تبدیل سازد. این تغییر استراتژیک نه تنها یک پاسخ به فشارهای گذشته، بلکه یک نقشه راه برای آینده‌ای روشن‌تر و پایداری تر است.

منابع
1. Djailili, Mohammad Reza, & Kellner, Thiery. (2018). Iran and the SCO: Strategic Partnership and Regional Integration. London: Palgrave Macmillan
2. Jones, Philip. (2021). Iran's Full Membership in the SCO: Economic Opportunities and Geopolitical Implications. Journal of Asian Economics, 221-205, (3)45
3. The SCO as an Economic Actor in Eurasia: Prospects and Challenges. Central Asian Affairs Journal, (2020). Krasna, Naomi
4. The Belt and Road Initiative and its Impact on Eurasian Logistics Corridors. Journal of Transport Geography, 267-258, 74, (2022). Smith, Alex
5. Economic Resilience in the Middle East. Middle East Policy, 128-112, (4)29, (2022).

